

شماره ۴ - تاریخ ۴۰/۱۲/۹

رابطه

این روزها شایعه یک اقدام مجدد و مهم شاهانه که خدمت‌های گذشته در مقابل آن بی‌ارزش جلوه‌گر خواهد کرد به تدریج منتشر شده. شکل انتشار این شایعه هم بنوبه خود جالب می‌باشد. . . . عینا مثل خبر مرگ عزیزی که اعلام صریح آن دوستانش را به اغماء افکند. . . زیر لب با خوف و رجاء و یا گوشه و کنایه زمزمه می‌شود. اما همین ایام و اشاره‌ها در محافل و مجالس مختلف مورد بحث و تفسیر قرار گرفته و در خصوص اینکه این اقدام از چه مقوله‌ایست گفت و شنودهایی می‌شود. . .

گروهی معتقدند که این اقدام از نوع کناره‌گیری شاه و تشکیل شورای سلطنتی و یا اصولاً تغییر رژیم و اعلام جمهوری است.

این عده شکست‌های اخیر حکومت شاه و خستگی و بیماری روانی او را از یکطرف و عدم تامین نظر آمریکایا را از اقدامات اصلاحی (و یا بهتر بگوییم تظاهر با اقدامات اصلاحی) از طرف دیگر دلیل این تشخیص و تفسیر خود میدانند. اینان ادعا میکنند که شاه گفته است این آمریکاییها معلوم نیست چه میگویند. از یک طرف میگویند اصلاحات بکنید و از طرف دیگر میگویند تند رفته‌اید. . . اینان میگویند اگر هم هیچ یک از این دلائل موجود نبود معذک اقدام مهم و قابل ملاحظه برای ملت در شرایط کنونی چیزی جز آنچه فوقاً گفته شد نمیتواند باشد.

گروه دیگر ضمن اعتراف به عقب‌نشینی‌های «حکومت» شاه در مراحل مختلف اقدام آینده را اقدامی انتقامی و جبران کننده می‌دانند. . . اینان معتقدند با آنکه هیأت حاکمه در تجاوز بقانون اساسی و قانون شرع در زمینه تغییر شرایط انتخاب کنندگان و گنجاندن کلمه کتاب آسمانی بجای قرآن کریم شروع کرده بود سخت شکست خورده و با آنکه رفراندوم شاهانه با بی‌اعتنایی شدید مردم مواجهه گشت قوانین به رفراندوم گذاشته شده در مراجع قضایی عملاً بی‌اعتبار شناخته شده معذک این شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های اجباری آقایان را مفتضح و خشمگین کرده و اکنون میخواهند با چاشنی کردن قوانین ظاهراً مترقی دیگر نظیر تعدیل ثروت و یا مالیات تصاعدی بر درآمد و مستغلات همان قوانین پس گرفته را مجدداً عنوان نمایند و در این مورد دلائلی هم ارائه میدهند. - از جمله میگویند بگیر و ببندهای اخیر که نه تنها متوقف نشده بلکه روز افزون است خصوصاً اینکه این بازداشتها در میان روحانیون مبارز هنوز هم ادامه دارد همه موید آنستکه اقدام مهم! آینده در سویی است که برای دین‌داران مبارز و ملیون غیور غیرقابل تحمل است و اگر زندانیان آزاد شوند مثل گذشته موقعیت هیأت حاکمه را خنثی خواهند کرد. . . دلیل محکمتر و مستدل‌تری که این دسته. . . ارائه می‌دهند تعهداتی است که هیأت حاکمه برای حفظ بقای خود به حامیان فرقه سیاسی در پوست مذهب داده است تا وعده‌های کرارا بتعویق افتاده این گروه را که عبارت است از عالمگیر شدن آیین و مسلکشان باشد رنگ و روغنی بخشد و در این زمینه به کنفرانس لندن و گزارش نماینده بهاییان ایران در آن کنفرانس که گفته است «قریباً در ایران دولت را در دست خواهیم گرفت» اشاره میکنند و با جرات میگویند این خبر در اختیار حضرات آقایان علماء قم قرار گرفته و در اعلامیه‌های آنان نیز اشاراتی در اینمورد موجود است. اما بین این نظریات عقاید و تفسیرهای معتدل‌تری هم وجود دارد که دلائل آنها هم

باورکردنی است و ذکر همه آنها موجب طول کلام می‌گردد و منظور این نبوده است که ما عقاید و تفسیرهای مختلف که دنبال این شایعه «اقدام مهم آینده شاه» میشود بیان کنیم بلکه میخواستیم «رابطه» اقدامات آینده را با موضوع تغییر دولت؟! جستجو نماییم.

قبل از بیان این رابطه لازم است بگوییم که بنظر می‌رسید این اقدام مشعشع و خیره‌کننده در نطق افتتاحیه کنفرانس اقتصادی اعلام خواهد شد و اگر این عقیده صحیح باشد اکنون که این نطق از رادیو و در روزنامه‌ها منتشر شده است بایستی گفته شود که واقعا «وقتی کوه زایید معلوم شد که موش مرده زاییده است» زیرا عوامفریبانه‌ترین قسمت این نطق مسئله انتخابات زنان است که اولاً تازگی ندارد ثانیاً یکبار شکست خورده - ثالثاً نوبرانه این میوه عوامفریبی را قبلاً و بطور نارس ارسنجان‌چی و خورده و بالاخره رابعاً خانمها عاقل‌تر از آنند که حتی پس از رو شدن نقشهای عوامفریبی و ظاهر سازی هیأت حاکمه گول آنان را بخورند.

اما این نطق آنقدر محتویات قابل ملاحظه! دارد که شاید به تنهایی بتوان باندازه کتاب «ماموریت برای وطنم» از آن استفاده برد و در آینده بآن خواهیم پرداخت فقط بد نیست بدانید از مقاله «بدون رتوش» خواندنیهای شماره ۴۵ جمله «وقتی کوه زایید معلوم شد که موش زاییده است» توقیف شد ولی خوشبختانه نشریه ما از توقیف وحشتی ندارد و بهمین جهت از نوشتن این واقعیت که «موش نوزاد کوه مرده دنیا آمد» خودداری نکرده‌ایم. اما این مرده بودن تاکنون مسلم است ولی بعید نیست که فردا با بوق و کرنا و دستور سازمان امنیت روزنامه‌ها و رادیوها ابتدا موش مرده را زنده کنند و بعداً هم بتدریج ثابت کنند که اصولاً کوه موش زاییده بلکه موش کوه زاییده است (مثل اینکه از مطلب دور شدیم و قرار بود «رابطه» اقدامات آینده را با موضوع تغییر دولت جستجو کنیم). بخوبی اطلاع دارید که کابینه چند روز قبل بصورت حیرت‌انگیز و گیج‌کننده‌ای تغییر کرد. سالها بود که شاه نیازی باین نوع تغییر وزراء پیدا نکرده بود و بقول خودش هیأت دولت را با اشاره‌ی چشم اداره می‌کرده. وقتی علم استعفا کرد و مجدداً مامور تشکیل کابینه شد تعبیرهای مختلفی میشد که بیشتر حول این نکته دور میزد که باین طریق ارسنجان‌چی از کابینه اخراج خواهد شد. این حداقل علتی بود که میشد برای استعفاء و مجدداً مامورشدن علم قائل شد و حتی هنوز هم عده‌ای معتقدند که مقصد همین بوده منتهی بعداً بهیأت حاکمه تحمیل شده است که بایستی ارسنجان‌چی بماند! . . . در هر حال با معرفی کابینه جدید این شایعات خاتمه یافت ولی ابهام موضع شدیدتر گشت. . همه از هم سوال میکنند یعنی چه؟ این چه تغییر کابینه‌ای بود؟ اصولاً چرا برای این تغییرات باستعفای دولت متوسل شده‌اند؟ و کابینه جدید را چه خصوصیتی خواهد بود و در آینده چه وظایفی را انجام خواهد داد؟ ولی یک چیز در میان همه این ابهامات با وضوح بیشتر بچشم می‌خورد و میتواند قسمتی از علت این خیمه شب‌بازی تغییر کابینه باشد و آن موضوع «بی‌شخصیتی» کابینه است. . ما متأسف می‌شویم اگر این تعبیر پیش بیاید که منظور ما آنست که وزرای قبل دارای شخصیت ممتازی بوده‌اند. نه این طور نیست ما معتقدیم که بی‌شخصیتی درجاتی دارد و وزرایی که در این «تحول» وارد کابینه شده‌اند رکورد بی‌شخصیتی را شکسته‌اند بطوریکه حتی خودشان خجالت میکشند که در همین حکومت بیسروته خود را وزیر بخوانند: بیوگرافی این آقایان جدید الوزاره خیلی جالب است ولی اجازه بفرمایید که ما فعلاً وارد این موضوع نشویم و بهمین اکتفا شود که وزیر فعلی دو وزارتخانه صنایع و معادن و بازرگانی «بالاشتراک» ممتازترین سمت قبل او معاونت مشاور حقوقی سازمان امنیت و اطلاعات ایران بوده است! . حالا معلوم است که مشاور حقوقی ساواک و معاون او چقدر مردمان شریفی خواهند بود و چه مقامات والایی را شاغل بوده‌اند.

خوب! با این کابینه بی‌شخصیت چه میشود کرد؟! و یا بهتر بگوییم چه نمیشود کرد!!؟ از این کابینه همه نوع کاری ساخته است و اصولاً برنامه‌های انقلابی اخیر احتیاج مبرم به چنین کابینه‌هایی دارد.

نقطه ضعف مقاله «بدون رتوش» خواندنیها که قبلا بتوقیف قسمتی از آن اشاره شده در همین جا است که فکر میکنند اولاً قرار است قوانین ششگانه واقعا اجرا شود و در ثانی اجرای آنها کابینه‌ای با «وزن و سنگین» احتیاج دارد! . آنوقت ضمن اعتراف به بی‌شخصیتی کابینه حتی بآن درجه که در لیاقت بله قربان گویی آنها هم «شک» می‌کند می‌گوید که این کابینه برای اجرای «این مواد» مناسب نیست. ولی این یک اشتباه یا یک انکار واقعیت بیش نیست. حقیقت آنستکه اجرای این برنامه‌های انقلابی و اصلاحی رفراندوم گذشته و آینده محتاج چنین کابینه‌های بی‌شخصیت میباشد زیرا در اینصورت دیگر دادگستری بین قانون و غیر قانون فرقی قائل نخواهد بود و دیگر وزیر کشور خواهد گفت شرایط شرکت در رفراندوم طبق آگهی‌های منتشره همان شرایط انتخابات مجلس شورا است و در نتیجه خانمها حق شرکت ندارند. . و این است یکی از «رابطه» هاییکه بین تغییر کابینه و «اقدام مهم!!!» و خیلی مهم!!! شاهنشاه «در آینده» موجود است.

سلام. . .

به آیت الله طالقانی. مهندس بازرگان. دکتر سبحانی و سایر سربازان و رهبران مبارزی که در زندان ارتجاع و استبداد بسر می‌برند.

درود بدکتر مصدق که ماجرای شوم نهم اسفند را چون صدها حوادث شوم دیگر در هم کوید و با جمله معروف «مرغ از قفس پرید» خاطره نفرت انگیز آنروز را فراموش ناشدنی ساخت. . .

دانشگاه

شکست‌ناپذیر است

«کشته دادند و پیروز شدند. . . . کشته میدهیم و پیروز میشویم»

این شعاریست که اکنون زینت بخش تمام درهای ورودی هر دانشکده‌ایست. این شعاریست که زندگی و حیات نسل جوان و مرگ و نابودی جیره خواران استبداد و استعمار را متجلی می‌سازد. . . این شعاری است که اکنون در دانشگاه مبارزات را رهبری و صف‌ها را مجزا می‌سازد. . .

از یکطرف دکتر باهری‌ها را وادار میکند که با کمک معدودی دانشجویان لابی‌بالی در عالم خیال دارودسته‌ای بسازد و از طرف دیگر مهندس سیحون‌ها را وادار به معذرت خواهی از دانشجویانی میکند که با مشته‌های گره کرده و مصمم رفیق خود را از آغوش مامورین بدنام سازمان امنیت نجات داده و علیرغم دستور مهندس سیحون روی دست بدانشکده می‌برند و مهندس سیحون را وادار میکنند که بلافاصله ابلاغ اخراج این دانشجویان را از تابلوهای دانشکده جمع کند.

این شعاریست که از یکطرف دکتر فرهادها را به سکوتی که در مقابل فجاریع سازمان امنیت (در داخل دانشگاه) می‌کند معرفی مینماید و از طرف دیگر مهندس بازرگانها و دکتر سبحانی‌ها و دکتر صدیقی‌ها و دکتر سنجاییها و . . . را که در معامله شرافت و زندان با بله قربان گویی و حفظ جاه و مقام شق اول را انتخاب کرده‌اند متجلی می‌سازد.

اما خوب توجه بفرمایید: نه این شعار منحصر بفرد است و نه مبارزات دانشجویان محدود به زمان و مکان مخصوصی.

این شعار دیروز هم بصورت «اصلاحات بلی - دیکتاتوری شاه نه» خائنین را رسوا میکرد و یقیناً فردا نیز با کلمات و اقدامات زنده دیگر حقوق از دست رفته مردم این مرز و بوم را استیفا خواهند نمود و این مبارزه ایست که دیروز با پر کردن طومارهایی برای آزادی استادان زندانی و سخنرانی در جمع دانشجویان الجزیره دانشگاه بغداد صورت میگرفت (اگر چه بقیه بی اطلاعی از سرنوشت میلانی دانشجویی با شهامت دانشکده کشاورزی و ماموریت دکتر مهدوی به هندوستان تمام میشود) و امروز در همان دانشکده کشاورزی بصورت برگزاری جشن شب عید فطر علیرغم مخالفت مقامات دانشکده کشاورزی و با استفاده از سالن ورزش دانشکده در مقال جلوگیری از ورود به سالن‌های کنفرانس و در دانشکده حقوق بصورتی حیات بخش تر جلوه میکند.

توجه فرمایید: دیروز آقای سلطانی دانشجوی شریف دانشکده حقوق در جلوی دانشگاه گرفتار دام و حلقه محاصره آدم دزدان سازمان امنیت میگردد ولی حاضر نمیشود دست بسته و زبون خود را تسلیم سازد. . . مامورین دست بچاقو میشوند. . . دانشجو نمایان سازمان امنیتی به گروه آنان می پیوندند ولی دانشجویان دانشگاه هم تماشاچی باقی نمی مانند. . . سلطانی را حمایت میکنند و بالاخره جسم بیحال او را از میان چنگال خونین این نجبای ارذل نجات میدهند و بدانشگاه میبرند. . . ولی داستان بهمینجا خاتمه نمی پذیرد. در دانشگاه یکی از همکاران این سازمان چپان را سخت تنبیه میکنند تا بدینوسیله به جسم و جان سلطانی نیرو و سلامت بخشند. قرآن کریم دستور فرموده: (وفی القصاص حیاة یا اولالباب). . . و مگر نه این است که حیات دانشگاه و دانشجویان را تامین نمایند. مگر نه اینست که کمیته دانشجویان جبهه ملی ایران در آخرین دستور سازمانی خود اعلام نموده است:

«کمیته دانشجویان جبهه ملی ایران اخطار می کند نظر باینکه راهزنان سازمان امنیت مامورانی که بلباس دانشجویی! درآمده اند در پناه سکوت مقامات دانشگاهی از هیچگونه اعمال بیشرمانه در داخل دانشگاه خودداری نمیکنند دانشجویان برای ایجاد محیط سالم در دانشگاه راسا از ورود این عناصر بداخل دانشگاه جلوگیری خواهند کرد». . . ؟

ای. . . مومنین: برای اینکه امیدوار به پیروزی خود باشید پشتکار و تحمل بخرج بدهید و با هم ارتباط برقرار کنید.

قرآن کریم

. . دستور اسراف کنندگان و حیف و میل کنندگان اموال عمومی را اطاعت نکنید.

قرآن کریم

با حاشیه و بی حاشیه

*خطر صهیونیست

رئیس اداره همکاریهای بین المللی اسرائیل در میان خانم‌های ایرانی ساعت ۶ بعد از ظهر دوشنبه گذشته مراسمی در محل نمایندگی دولت اسرائیل در ایران با شرکت روسا و نمایندگان و اعضای جمعیت‌های مختلف زنان ایران بمناسبت ورود خانم دورالون سیرنی بایران ترتیب داده شده بود. خانم الون از شخصیت‌های برجسته اسرائیل و نماینده زنان آن کشور بشمار میرود. (اطلاعات بانوان شماره ۳۰۱)

* * *

یک مجله اقتصادی خبر داده است که مدیران شرکتهای لاستیک سازی معروف اسرائیل برای مطالعه بمنظور تاسیس یک کارخانه لاستیک سازی در ایران بتهران آمده‌اند. (دیپلمات شماره ۴۲۶ - ۱۰ بهمن ۴۱)

* * *

چند ماه قبل «ژنرال موشه دایان» رئیس سابق ستاد ارتش اسرائیل (فرمانده سپاه اسرائیل در زمان حمله به مصر) که بازنشسته شده و کارهای فلاحتی و اقتصادی میکند بایران آمد و مهمان دکتر ارسنجانوی وزیر کشاورزی بوده و متعاقب سفر او جمعی از کارشناسان کشاورزی اسرائیلی برای مشاهده و معاینه اراضی قزوین جهت احداث چاههای عمیق بایران آمدند.

(دیپلمات شماره ۴۲۸ - ۲۴ بهمن ۴۱)

حاشیه خوانندگان باید توجه داشته باشند که تمام لاستیکهای ماشینهای شرکت واحد ساخت دولت اسرائیل است و چنانچه بلاستیکها توجه شود روی آن مارک «سامسون» و ساخت اسرائیل را خواهند دید. بنابراین بغیر از کشورهای استعماری که در ایران نفوذ دارند باید دولت (؟) اسرائیل را هم بآنها اضافه کرد.

* * *

... تا دو ماه پیش ایران رژیم قاسم را در برابر ناصر حمایت میکرد.

(خوشه شماره ۲۳ - ۲۱ بهمن ۴۱)

* * *

عبدالکریم قاسم دشمن شماره یک ملت و میهن ما بود و از این بدتر دوست دیوانه و نادان ملت عراق بود. (نقل از مقاله جهانگیر تفضلی از مجله خوشه شماره ۲۴ - ۲۸ بهمن ۴۱)

حاشیه: با توجه بدو خبر بالا خوانندگان باید بدانند که هیأت حاکمه ما از چه کسانی و بر علیه چه اشخاصی میکرده و میکند.

خداوند به سه کس چشم رحمت نیفکند:

کسیکه به بیداد و ستم کار کند. کسیکه بیدادگر را مدد نماید و کسیکه به بیداد رضا دهد. (علی علیه‌السلام)

سخنی با خوانندگان

خوانندگان گرامی:

بیاد دارید که نزدیک دو سال قبل هنگامیکه نهضت آزادی ایران بهمت شما و با استفاده از ضعف و پیری حکومت کودتای ننگین ۲۸ مرداد که بصورت آزادی نسبی جلوه می‌کرد فعالیت خود را آغاز نمود. با استفاده از امکانات توانست «نشریه داخلی نهضت آزادی ایران را بصورت قابل ملاحظه‌ای چاپ و در اختیار شما قرار دهد. ولی امروز با آنکه قدرت تشکیلاتی و وسعت مبارزات ملی افزوده گشته معذک این نشریه با زحمت فراوان و وسیله نامطلوب آماده گردیده و این خود «نمونه‌ای» از محدودیت بیش از پیش آزادی در میهن ما است. . . محدودیتی که بدون تردید معلول مبارزات و فداکاری‌های شما مردم شریف و جانباز ایران است. شک نیست که هر قدر مبارزات حق طلبانه شما شدید و قاطع‌تر گردد فشار دستگاه آزادی‌بخش نیز افزوده خواهد شد. ولی این فشار حدی دارد که پس از آن انفجار و نابودیست.

این مبارزات پیگیر و بادوام و مقاومت نامحدود شماسست که اجبارا این فشار را که اکنون بحد نهایی نزدیک شده است بانفجار و نابودی منتهیش خواهد کرد. ما نیز با اتکاء به این همت مردانه شما مصممیم که در انتشار آن مقاومت کنیم حتی اگر امکانات نامحدودتر و وسائل ما ابتدایی تر گردد.

بباید با هم پیمان ببندیم که این نشریه را بعنوان زبان مردم مبارز ایران همیشه گویا نگهداریم حتی اگر ناگزیر شویم که نسخ متعدد آنرا با دست خود بنویسیم و با همت خود منتشر سازیم.

اخبار وشایعات

از سه ماه قبل از طرف دربار بتمام دوائر و شعبات املاک پهلوی در شهرهای شمال دستور داده شده است که هر چه زودتر کلیه جنگلهای متعلق به املاک را بفروش برسانند(تا پس از تصویب لایحه ملی کردن جنگلها ضرری به دستگاه نخورد)

مدتیست مذاکرات و رفت و آمدهایی در پیش است که زمینهای علی آباد مجدالدوله را که متعلق به بوالاحضرت علیرضا است بیکی از وزارتخانهها بفروش برسانند و قرار است این عمل قبل از انجام تشریفات تقسیم اراضی اطراف تهران صورت بگیرد زیرا وسعت این املاک از حد نصاب مالکیت در تهران بیشتر است. ایضا در مورد اراضی: چند ده بنام شاه دشت در مردآباد کرج که متعلق بملکه مادر میباشد چون از حد نصاب تجاوز کرده اند قبل از تقسیم بین زارعین بشرکت ملی نفت فروخته شده است تا در آنجا پالایشگاه نفت قم را تاسیس نمایند و «گویا» شرکت ملی نفت سرزمینی مناسبتر و ارزانتر و بهتر و نزدیکتر برودخانه جاده از اراضی فوق نیافته است.

برای تفریح

میگویند یک یهودی برای حفظ منافع خود و گول زدن مسلمانان تظاهر به مسلمانی میکرد. از او پرسیدند چه شد که مسلمان شدی؟ گفت «شبی» در خواب خود را در اطای دیدم که یک طرف آن دوازده امام و یکطرف دیگر چهارده معصوم و طرف دیگر هم پنج تن نشسته بودند و هر سی و یک نفر به «من» دستور دادند که مسلمان بشوم.

* * *

آقای جهانگیر تفضلی وزیر مشاور در مصاحبه تلویزیونی خود مدعی شدند که جبهه ملی یک واحد سیاسی کوچک و بی ارزش است و بیش از سه چهار نفر از افراد آنها در زندان نیستند. ما گفتار ایشانرا فقط باینطریق تایید میکنیم که مقارن همانساعتی که ایشان مشغول مصاحبه بودند ۴ نفر از دانشجویان دانشگاه را «آدم دزدها» ی سازمان امنیت از میان دوستانشان ربودند و به جمع کثیر بازداشت شدگان اخیر که متجاوز ۴۰۰ نفر میباشد افزودند.

در مصاحبه تلویزیونی وقتی آقای تفضلی از جواب صریح در خصوص تعداد بازداشتیها و شایعه محاکمه آنان طفره رفت و اظهار بی اطلاعی نمود بهرام شاهرخ مخبر خبرگزاری آلمان پرسید «پس ما بایستی این سوال را از کدام مقام بکنیم مراکز خبرگزاریها از ما میپرسند و ما هم بهر کجا مراجعه میکنیم جوابی بما نمیدهند».

کسانیکه مایه آزارند از سر راه مسلمانان بردارید. (رسول اکرم ص)